

گفت‌وگو با بابک کاظمی، آهنگ‌ساز، نوازنده و رهبر ارکستر

فرهنگ شنیداری باید تقویت شود



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

آن اهمیت دارد، ولی شما اگر پس از یادگیری آن الگوها نتوانید استایل خودتان را نشان بدهید، کار شما چه ارزشی دارد؟

موسیقی ایرانی هم اکنون در سطح جهان چه جایگاهی دارد؟

اگر بخواهم به موسیقی کلاسیک ایران اشاره کنم، همان طور که پیش تر خدمتان گفتم دچار انتقادهای خیلی تند و وحشتناک و به نوعی دشمنی اهالی موسیقی با یکدیگر است که به همه ما آسیب می زند. فرهنگ شنیداری باید در میان همه و به خصوص موزیسین ها تقویت شود، تحمل یکدیگر باید بالاتر برود و تحمل عقاید و تفسیر ما از یک قطعه بهتر شود. من بر این باورم که هنر ایرانی و احساسات ایرانی خیلی عمیق است؛ ولی نظر شخصی ام این است که بیشتر به سطح این موضوع پرداخته شده و به چشم بزم به آن نگریسته اند. بیشتر چهره های ماسک زده به آن داده شده است. ما به جای آن که بیابیم چیزی را که واقعا هست نشان بدهیم، گویی حس کرده ایم که نیاز داریم هنر ایرانی را باز کنیم؛ خصوصاً در موسیقی و این ما را از اصل خودمان دور کرده است.

آیا کسانی که خود را «استاد» معرفی می کنند، دین خود را ادا کرده اند؟

ببینید من کلاً با واژه «استاد» مشکل دارم و نمی توان هر کسی را شایسته این نام دانست؛ ولی در سطح جهان افرادی همچون «پارنوبوم» یا «کارایان» که چهره هایی شناخته شده هستند، حقیقتاً شایسته این نام اند؛ اما در ایران و در حیطه تخصصی خودم که آهنگ سازی و رهبری ارکستر است، به نظرم هنوز کسی دین خودش را ادا نکرده است. مهم ترین چیزی که باید در ایران اتفاق بیفتد این است که چند ارکستر استیبل در تهران و ایران داشته باشیم؛ چند ارکستر با رهبر ثابت که کار موسیقی انجام دهند و مهم تر آن که مدیر موسیقی مدام عوض نشود. مثلاً برای ارکستر سمفونیک تهران یک شخص را همچون آقای «صهبایی» انتخاب کنند تا این شخص بتواند دانشش را به ارکستر انتقال بدهد. لازم است که به او اعتماد کنند و اجازه دهند کار کند تا واقعاً این ارکستر را بسازد. من امیدوارم این شرایط به وجود بیاید تا بتوانیم به هنر موسیقی کلاسیک و موسیقی ارکسترال ایرانی که این قدر جای کار دارد، بهای لازم را بدهیم و جان تازه ای به آن بدمیم. در این شرایط اشخاصی مثل من می توانند دین خود را ادا کنند. این بستر باید مهیا شود. من مطمئنم که مخاطب واقعا چنین چیزی را پذیراست. اصباح

بر روی آهنگ سازی پیانو و ارکسترهای مجلسی خیلی تمرکز کرده ام. در هنر دو دیدگاه وجود دارد: عده ای بر این باورند که باید اصول را رعایت کرد و به آن دست نزد. بر خی نیز به تدریج تغییراتی را اعمال می کنند. شما با کدام یک هم نظرید؟

ببینید من در کارهای هنری و رهبری ارکستر و به طور خاص آهنگ سازی، مکتب «وایمار» را دنبال می کنم که مکتب «فرانتس لیست» و «ریچارد واگنر» است. این مکتب بر شکستن اصول تأکید می کند؛ البته منظور من از شکستن، «اشتو کهاوزن» یا «جان کبچ» نیست. این افراد اصول را نشکسته اند، کلاً موسیقی را شکسته اند و به نوبز تبدیل کرده اند. ببینید مشکلی با کار آنان وجود ندارد. شکستن اصول به نظر من شکستن فانکشنالیتیه موسیقی است؛ البته شاید «شکستن» واژه درستی برای آن نباشد و بهتر است بگویم «تغییر فانکشنالیتی» یا «روز کردن آن». بیشتر انسان ها الان در تلگرام، واتس اپ، اسپاتیفای، اپل میوزیک و... به موسیقی گوش می دهند تا کنسرت. ما آهنگ سازان و رهبران ارکستر اگر می خواهیم کارمان مطرح شود، باید این تغییرات را در کارمان اعمال کنیم. وحشتناک ترین چیز برای یک موزیسین این است که کارش رفته رفته به سکوت بینجامد و مخاطبش را از دست بدهد.

آیا یک نوازنده برای کار خود نیازمند الگوی خاصی است یا می تواند با سبک شخصی خودش بنوازند؟

مسلمان نوازنده در یادگیری به اصول و الگوی خاصی نیاز دارد و بهترین اصول و الگویش نیز موسیقی کلاسیک است. موسیقی کلاسیک می تواند شمارا در هر سازی کارآمد کند و بعد به شما یاری برساند تا هر سبک و استایلی را دنبال کنید؛ البته وقتی شما آن اصول را یاد گرفتید مسلماً باید هر کسی سبک شخصی خودش را داشته باشد.

یکی از موارد اصلی ای که بین مخاطب موسیقی کلاسیک در ایران سرکوب می شود، سبک شخصی است؛ یعنی اگر شما موسیقی «شوپن» را با سبک شخصی خودتان بنوازید باید توقع بدترین توهین ها را داشته باشید؛ زیرا ذهن ما غرب گراست و وقتی که به موسیقی کلاسیک می رسد، به مراتب غرب گراتر می شود و سعی می کند به چیزی که خودش درک و فهم درستی از آن ندارد، انتقاد کند.

ببینید اصول موسیقی کلاسیک براساس آزادی است. درست است که الگوهای مشخص یادگیری، الگوهای هارمونی، الگوهای فرم و... در

پریسا اسماعیلی نیا - بابک کاظمی سی ام فروردین ۱۳۶۵ در تهران متولد شد و موسیقی کلاسیک را در هجده سالگی با ساز پیانو آغاز کرد. با آن که بر خی از استادان، این سن را برای یادگیری موسیقی دیر می دانستند و او را ناامید می کردند، موسیقی را خیلی جدی پی گرفت و در این راه از راهنمایی و یاری استادان مختلفی بهره برد؛ کسانی چون «ربکا آشوقیان» که بیشترین کمک را از لحاظ تکنیکی به او کرد و همچنین «تامارا دولیدزه» که مدت محدودتری را نزد ایشان درس آموخت. کاظمی پس از آن که پیانو، مقدمات موسیقی، تئوری، هارمونی و... را در ایران گذراند، انگلیس را به عنوان مقصد خود برگزید و برای ادامه تحصیلات راهی آن کشور شد و آهنگ سازی را با «جو کاتلر» و چند تن از استادان بنام انگلستان پی گرفت و توانست نظر آنان را به خود جلب کند و به «کنسرواتوار بیرمنگام» وارد شد. این کنسرواتوار در همان شروع کار و پس از مصاحبه با کاظمی، این هنرمند را بورسیه کرد. چنین رویدادی در زندگی هنری او بسیار تأثیر گذار بود. در ادامه، گفت و گوی صبارا با این هنرمند می خوانید:

برای مخاطبان ما از فعالیت های هنری تان در انگلستان بگویید.

من با چند ارکستر در انگلیس کار می کنم. فعالیت های جانبی و بین المللی را نیز با ارکسترهای خارجی در برنامه هایم گنجانده ام و به آن مشغولم. چندین و چند سال هم به عنوان مدیر هنری با ارکستر «light of music» کار کرده ام و تعدادی از قطعات خودم را با ارکستر سمفونیک آنان به اجرا رسانده ام؛ از جمله سمفونی کرال خودم که به نظرم در آن سن دستاورد بزرگی بود که بتوانم کاری به آن حجم را انجام بدهم. پس از آن کارهای سمفونیک، هم اکنون تمرکز من بر روی آهنگ سازی برای پیانو گذاشته ام؛ خصوصاً برای پیانوی سولو که دارم کاتالوگ قطعات پیانویم را بالاتر می برم، چون به نظرم واقعا برای آهنگ ساز مهم است که در ژانرهای گوناگون فعالیت کند. برای نمونه شما وقتی به شخصی همچون «بتهوون» می نگرید، می بینید که در آثارش ۳۲ سونات، ۹ سمفونی و کارهای فراوانی برای ارکستر مجلسی وجود دارد. من نیز می خواهم که برای خودم چنین کاتالوگی داشته باشم. این است که

تماشای کاملاً رایگان
تماشاخونه
TMK.IR



سعید نعمت اله

